



افکار اسلام

اکبر اسدعلیزاده

اشاره:

در شش قسمت پیشین، معنا و تعریف آزادی، پیشینه آزادی در اندیشه‌های غربی، شرقی و فرهنگ ایرانی، انواع آزادی (تکوینی و تشریحی)، ویژگیهای انسان آزاد از نگاه اسلام و حکما، و آزادی از نگاه قرآن و روایات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس بحث گونه‌های آزادی و قلمرو آن در اسلام مطرح شد و دو گونه آن یعنی؛ آزادی فلسفی و آزادی معنوی تبیین گردید. در این مقاله، «آزادی اندیشه» را مورد بحث قرار می‌دهیم.

۳. آزادی اندیشه

اندیشه و تفکر یکی از مقدس‌ترین سرمایه‌های انسان، و از ویژگیهای بارز او است که وی را از انواع حیوان ممتاز می‌سازد. انسان یک موجود عاقل و متفکری است که قدرت دارد در مسائل مختلف بیاندهد. عقل ابزاری است که بواسطه آن می‌تواند آینده روشنی را برای خویش ترسیم نموده و سرنوشت خوب و درستی را برای خود بیافریند. در حقیقت کمال و رشد انسان به میزان تفکر او بستگی دارد. تعقل و تفکر ناشی از استعداد فطری و ذاتی

اسلام و آزادی تفکر

در تعالیم اسلامی، اندیشه به جهت اهمیتی که دارد به عنوان حق مسلم و امر واجب تلقی، و از آن به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عبادتها یاد شده است. از نظر اسلام، ایمان کامل و حقیقی، ایمانی است که بوسیله تدبّر و تعقل صحیح، به دور از هر گونه تأثیرپذیری از عوامل خارجی نظیر عادات و رسوم و تقلیدها^۱ بنا شده باشد. از این رو تقلید در اصول دین را جایز ندانسته، آن را یک مسئله علمی، فکری و عقلی توصیف می‌کند و می‌گوید برای هر مسلمانی واجب است آزادانه از راه تفکر، دلیلی برای پذیرش اصول دین خود داشته باشد.

۱. شهید مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۹، ص ۱۰.

۲. به همین جهت تعداد زیادی از آیات قرآن مشرکان و بت پرستان مکه را به خاطر پیروی کورکورانه از آبا و اجدادشان سرزنش کرده و می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَبَلِّغُوا مَا تُخَدِّتُوا عَلَيْهِ آبَائَنَا»؛ (لقمان / ۲۱) «هنگامی که به آنان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم».

بشر است، بنابراین انسان در راه استفاده از این ابزار ذاتی حتماً باید آزاد باشد؛ چرا که هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی امر ذاتی و درونی را بگیرد. هر چند می‌توان جلوی رشد آن را گرفت و حتی منحرفش کرد؛ ولی نمی‌توان به طور کلی انسان را از این نعمت بی‌بهره ساخت، و جلوی آزادی تفکر او را گرفت. در هر صورت انسان می‌تواند در هر مسئله‌ای که استعداد آن را دارد فکر کند و از راه علمی و استدلال عقلی آن مسئله را بشناسد.

به قول شهید مطهری، آزادی تفکر ناشی از استعداد انسانی بشر است که می‌تواند در مسائل بیندیشد. این استعداد بشری حتماً باید آزاد باشد. هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، به ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و تفکر باشد، و به عکس، هر مکتبی که ایمان و اعتقادی به خود ندارد جلوی آزادی اندیشه را می‌گیرد، این گونه مکاتب ناچارند مردم را در یک محدوده خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند.^۱

الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ؛^۳ بهترین عبادت مداومت در تفکر است.

و امام امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «لَا عِبَادَةَ كَالْتَّفَكُّرِ؛^۴ عبادتی مانند اندیشیدن نیست.»

و نیز می فرماید: «رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي التَّفَكُّرِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ؛^۵ خواندن دو رکعت نماز کوتاه با فکر و اندیشه بهتر از شب زنده داری کردن است.»

و در روایت دیگر می فرماید: «تَفَكُّرٌ سَاعَةٍ قَصِيرَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ طَوِيلَةٍ؛^۶ ساعتی کوتاه اندیشه کردن بهتر از عبادت طولانی است.»

۱. در این باره قبلاً در بحث «آزادی در قرآن» آیات فراوانی را در موضوعات یاد شده آورده و مورد بحث قرار دادیم. در این بخش روایات «آزادی اندیشه» را مورد بررسی قرار می دهیم.

۲. ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن باویه (شیخ صدوق)، من لا يحضره الفقيه، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۷۲.

۳. اصول کافی: ج ۲، ص ۵۵، باب تفکر، ح ۳.
۴. غرر الحکم و درر الکلم: ص ۵۶، ح ۵۳۳، و در سرخسی روایات می فرماید: «التَّفَكُّرُ عِبَادَةٌ؛ اندیشیدن عبادت است.» غرر الحکم و درر الکلم: ص ۵۶، ص ۵۳۱.

۵. شیخ ابی جعفر الصدوق، ثواب الاعمال، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ ق، ص ۴۴.

۶. غرر الحکم، ص ۵۷، ح ۵۴۹.

حاصل سخن اینکه، با مراجعه به متون دینی (قرآن و روایات)، بدست می آید که اندیشیدن و تفکر از ارزش بالایی برخوردار است. در تأیید این مطلب همین بس که در قرآن کریم واژه تفکر با مشتقاتش ۴۷۹ بار وارد شده و به موضوعات مختلفی چون، تفکر در آفرینش انسان، جهان و کیفیت خلقت آنها، تفکر در نفع و ضرر، تفکر در اهمیت علم و دانش و دوری از جهل و نادانی، اندیشه در تسخیر آسمان و زمین توسط انسان، تفکر درباره دنیا و آخرت، اندیشه در قدرت الهی، تفکر در فلسفه حرمت برخی چیزها، تأکید بر تفکر سازنده و صحیح، دوری از تفکر باطل و ویرانگر و آثار تفکر اشاره شده است.^۱ در متون روایی نیز چنین مطالبی وجود دارد و در برخی روایات، از تفکر و اندیشه به عنوان بهترین و بی مانندترین عبادت یاد شده است.

چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ؛^۲ عبادتی مانند اندیشیدن نیست.»

و امام صادق علیه السلام فرمودند: «أَفْضَلُ

عاملی برای هدایت و رشد و کمال انسان توصیف گشته است. امام امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «الفکر یهدی الی الرّشاد»^۸ اندیشه انسان را به سوی رشد و کمال هدایت می کند. و فرمود: «الفکر رشد»^۹ اندیشیدن [موجب یافتن] راه تکامل است.

و امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا، وَدَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ»^{۱۰} برای هر چیزی راهنمایی است، و راهنمای عقل، اندیشیدن است. و بالاخره در برخی روایات از تفکر و اندیشه به عنوان یکی از صفات

در عده‌ای از روایات، از تفکر به عنوان حیات دل و بصیرت و بینایی یاد شده است. امام امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «أفکر تستبصر»^۱ فکر کن تا بصیرت و آگاهی یابی. و فرمود: «رَأْسُ الْإِسْتِصَارِ الْفِكْرَةُ»^۲ منشأ بینایی فکر و اندیشه است.

همچنین علی علیه السلام می فرماید: «لَا بَصِيرَةَ لِمَنْ لَا فِكْرَ لَهُ»^۳ کسی که اندیشه ندارد بصیرت و آگاهی ندارد. و فرمود: «التَّفَكُّرُ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرَةِ»^۴ اندیشیدن مایه زندگی دل بینا است. و نیز فرمود: «تَبَّهَ بِالتَّفَكُّرِ قَلْبُكَ»^۵ قلبت را با اندیشیدن بیدار کن.

و در بعضی روایات از تفکر و اندیشه به عنوان آینه روشنی یاد شده که کردار خوب و بد انسان را می نمایاند. امام امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «الفکر مِرَاةٌ صَافِيَةٌ»^۶ اندیشه آینه روشنی است.

و نیز می فرماید: «فِکْرُ الْمَرْءِ مِرَاةٌ تُرِيهِ حُسْنَ عَمَلِهِ مِنْ قُبْحِهِ»^۷ اندیشیدن مرد آینه‌ای است که کارهای خوب و بد او را برایش نشان می دهد.

در روایاتی اندیشیدن به عنوان

۱. همان، ص ۵۷، ح ۵۷۵.
۲. همان، ص ۵۷، ح ۵۷۸.
۳. همان، ص ۵۷، ح ۵۸۰.
۴. محمد بن یعقوب کلمینی، اصول کافی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۳۸، ح ۳۴.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴، باب التفکر، ح ۱.
۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۵۹، باب ۴، ح ۷۶.
۷. غرر الحکم، ص ۵۷، ح ۵۶۳.
۸. همان، ص ۵۸، ح ۵۸۷.
۹. همان، ص ۵۸، ح ۵۸۷.
۱۰. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۷، باب ۸، ح ۲۰۹۱.

رشد فکری و معنوی انسان می‌گردد، از اندیشه‌های مثبت و سازنده‌ای است که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد.

با مراجعه به متون اسلامی درمی‌یابیم که در اسلام عزیز اندیشیدن و تفکر، در واقع ابزاری برای تعمیق و باور به توحید و شناخت درست و عمیق نظام آفرینش و استفاده معقول و پسندیده از آن در راه خیر و سعادت و کمال مطلوب است. بنابراین، مرز آزادی اندیشه از نظر اسلام تا جایی است که به کفر و الحاد و توطئه علیه دین و مذهب نگراید. در یک کلام هر اندیشه‌ای که باعث دوری انسان از خداوند شود؛ اندیشه باطل و مطرود است.

امام امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«أَنْعِمِ الْفِكْرَ فِيمَا جَاءَكَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْهَا لَا بَدَّ مِنْهُ وَلَا مَحْضَ عَنْهُ؛ وَ

مؤمن یاد شده است.
پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَالَ الْفِكْرِ؛^۱ فِكْرَ جَوَالَ [و اندیشه فعال] از صفات مؤمن است.»

و امام امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ دَائِمٌ الدَّكْرُ كَثِيرُ الْفِكْرِ عَلَى التَّعْمَلِ؛^۲ مؤمن همیشه در حال ذکر و اندیشه در باره نعمتهای الهی است.» و در روایتی می‌فرماید: «تَفَكَّرْ قَبْلَ أَنْ تَعْرَمَ؛^۳ قبل از اراده هر کاری اندیشه کن.»

و نیز در روایت دیگر می‌فرماید: «إِذَا لَسَوْتَ الْفِكْرَ فِي أَعْمَالِكَ، حَسَنْتَ عَوَاقِبِكَ فِي كُلِّ أَمْرٍ؛^۴ وقتی فکر و اندیشه را سرلوحه تمام کارهایت قرار دادی، عاقبت و نتیجه کارهایت خوب خواهد بود.»

حدود آزادی اندیشه در اسلام

در جهان بینی اسلامی اندیشه و تفکر از نظر ارزش به تفکر مثبت و منفی تقسیم می‌گردد. تفکر برای شناخت خدا، قدرت الهی، معاد و جهان آخرت، ملکوت آسمانها و زمین و نعمتهای بی‌کران الهی، و... که باعث

۱. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۱۰، باب ۱۴، علامات المؤمن و صفاته، ح ۴۵.
۲. غرر الحکم، ص ۹۰، ح ۵۸۹.
۳. همان، ص ۵۶، ح ۵۴۶.
۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۸، باب ۳۳، ح ۹.

در روایتی از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم: «أَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ»^۶ اندیشیدن درباره مرگ برترین اندیشه است.

در واقع این نوع روایات، ما را به اندیشه‌های صحیح و جهت‌دار تشویق می‌کند.

در برابر این اندیشه‌های سازنده و سالم، اندیشه‌های باطل و ویرانگر قرار دارد. تفکر برای مقاصد نفسانی و شیطانی مانند تسلط بر انسانها و بهره‌کشی از آنان، ظلم و جور و بی‌عدالتی، شهوت‌رانی و ارضای تمایلات حیوانی، ایجاد و ترویج فحشا و فساد در جامعه، از بین بردن اصول و ارزشهای انسانی، ایجاد اختلاف و نزاع بین مسلمین، توطئه

خَائِفٌ مَنْ خَالَفَ ذَلِكَ إِلَىٰ غَيْرِهِ»^۱ در آنچه از زبان پیامبر اکرم ﷺ از جانب حق به تو رسیده است؛ و از آن چاره و راه فراری نیست؛ خوب اندیشه کن و با آن کس که از تفکر در سخنان پیامبر اعراض می‌کند، و به غیر آن روی می‌آورد؛ مخالفت کن.

در روایت دیگر می‌فرماید: «التَّفَكُّرُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِبَادَةٌ الْمُخْلِصِينَ»^۲ اندیشیدن در ملکوت آسمانها و زمین عبادت انسانهای مخلص است.

و نیز می‌فرماید: «التَّفَكُّرُ فِي آيَةِ اللَّهِ نِعْمَ الْعِبَادَةُ»^۳ اندیشیدن در نعمتهای الهی بهترین عبادت است.

همچنین امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ»^۴ برترین عبادت اندیشه مداوم در باره خداوند و قدرت او است.

و امام رضا عليه السلام نیز می‌فرماید: «أَيْسَرُ الْعِبَادَةِ كَثْرَةُ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَأَيْسَرُ الْعِبَادَةِ الْفِكْرُ فِي اللَّهِ تَعَالَى»^۵ عبادت به نماز و روزه بسیار نیست، بلکه عبادت، تفکر در امر خداوند است.

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خ ۱۵۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۵، باب ۵،

ح ۸

۳. همان.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۵، باب التفكير، ح ۳.

۵. وسائل الشیعة، محمد بن حسن حرّ عاملی،

مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۱۷،

باب ۵، ح ۲۰۲۶۵.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲، باب ۱۷،

ح ۱۷.

اندیشه کردن در هنگام گفتار، [شخص را] از خطا و لغزش حفظ می‌کند.»

«عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ، فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الصَّلَالِ وَمُضْلِحُ الْأَعْمَالِ؛^۳ بر تو باد اندیشیدن، زیرا اندیشه موجب نجات از گمراهی و اصلاح کننده اعمال است.»

۲. هدایت و نجات: اندیشه و تفکر نقش راهنما و منجی را دارد، و انسان را به راه درست و پسندیده رهنمون می‌سازد و از گرفتاریها رهایی می‌بخشد. امام امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرُّشَادِ؛^۴ اندیشه [انسان را] به سوی رشد و کمال هدایت می‌کند.»

«الْفِكْرُ فِي السُّعُوقِ يُنْجِي مِنَ الْمَغَاطِبِ؛^۵ اندیشه در سرانجام کارها،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۸، باب ۳۳، ح ۸، و در روایت مشابهی می‌فرماید: «الْفِكْرُ فِي الْأَمْرِ قَبْلَ مَلَابَتِهِ يُؤْمِنُ الرَّكْلَ؛ اندیشیدن در کار پیش از وارد شدن به آن [آدمی را] از لغزش ایمن می‌دارد.» غرر الحکم، ص ۵۸، ح ۵۸۸.

۲. غرر الحکم، ص ۲۱۱، ح ۴۰۷۲.

۳. همان، ص ۵۷، ح ۵۶۱.

۴. همان، ص ۵۸، ح ۵۸۷.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۷، باب ۳۳، ح ۸.

علیه دین، تفسیر ناصحیح از دین برای انحراف افکار (تحریف دین)، از بین بردن حقوق مردم، جلوگیری از حق و عدالت و خلاصه هر آنچه که باعث گمراهی انسان و دوری وی از خدا و دین و معنویت می‌شود، از اندیشه‌های باطل و ویرانگر است. از نظر اسلام این نوع تفکر باطل و گمراه کننده، محکوم و مردود است.

آثار و ثمرات آزاداندیشی

برای آزادی تفکر ثمرات فراوانی در روایات اسلامی بیان شده است که به جهت اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ایمنی از لغزش و خطا: یکی از ثمرات بسیار مهم اندیشه آن است که، تدبّر و عاقبت‌اندیشی قبل از انجام هر عملی باعث می‌شود که انسان از لغزشها و خطاها محفوظ بماند. امام امیر المؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«أَصْلُ السَّلَامَةِ مِنَ الرَّكْلِ، الْفِكْرُ قَبْلَ الْفِعْلِ؛^۱ اصل و پایه در امان بودن از لغزشها، اندیشیدن پیش از انجام کار است.»

«التَّرْوِي فِي الْقَوْلِ يُؤْمِنُ الرَّكْلَ؛^۲

هر مکتبی که به ایدئولوژی
خود ایمان و اعتقاد داشته
باشد، به ناچار باید
طرفدار آزادی اندیشه و
تفکر باشد، و به عکس،
هر مکتبی که ایمان و
اعتقادی به خود ندارد
جلوی آزادی اندیشه را
می‌گیرد

حَسُنْتَ عَاقِبَتَهُ؛^۵ هر کس اندیشه‌اش
بیشتر باشد، عاقبت نیکویی خواهد
داشت.

۱. غرر الحکم، ص ۵۶، ح ۵۳۹.

۲. همان، ص ۵۶، ح ۵۳۹.

۳. همان، ص ۵۲، ح ۴۰۴، و در روایت مشابهی
می‌فرماید: «تَمَرَةُ الْفِكْرِ السَّلَامَةُ؛ نتیجه فکر،
سلامتی است.» غرر الحکم، ص ۵۸، ح ۵۹۹.

۴. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد آمدی،
ترجمه: محمد علی انصاری، مؤسسه دار الکتاب،
قم، ج ۱، فصل ۱۷، ح ۱۳۱.

۵. غرر الحکم، ص ۵۷، ح ۵۷۲.

[آدمی را] از گرفتاریها نجات می‌دهد.»
۳. درخشندگی عقول: از جمله آثار
اندیشه آن است که به خردها
درخشندگی و روشنایی می‌بخشد.
چنانکه امام امیر المؤمنین علیه السلام
می‌فرماید: «الْفِكْرُ جَلَاءُ الْعُقُولِ؛^۱ اندیشه
کردن سبب درخشندگی خردها است.»
و در روایت دیگر می‌فرماید:
«الْفِكْرُ يُنِيرُ اللَّبَّ؛^۲ اندیشیدن، خرد را
روشن می‌گرداند.»

۴. سلامتی: یکی دیگر از ثمرات
اندیشیدن، سلامتی انسان است. امام
امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «أَضَلَّ
الْعَقْلُ الْفِكْرَ وَتَمَرَّتْهُ السَّلَامَةُ؛^۳ اساس عقل
اندیشیدن است و ثمره آن سلامتی
است.»

۵. عاقبت نیکو: از دیگر ثمرات
تفکر و اندیشه آن است که عاقبت کار

انسان نیکو می‌گردد. امام
امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا قَدَّمْتَ
الْفِكْرَ فِي أَعْمَالِكَ حَسُنَتْ عَوَاقِبُكَ وَفِعَالُكَ؛^۴
وقتی اندیشیدن را در کارهایت مقدم
داشتی، عاقبت تو و کارهایت خوب
خواهد بود.»

و نیز می‌فرماید: «مَنْ كَثُرَتْ فِكْرَتُهُ